



انجمن اخوت

تاریخ ... ماه ... ۱۳۳۳

نمبر ...

کسر نظر تجویز طلب در آن معرف کرده است ...
هشتم - اجتماع در خانه برادر در ولایت ترک است ...

و قطعاً خداست

نهم - فضا رباع در آن معرفت ...
دهم - اجتماع در خانه برادر در ولایت ترک است ...

فردم در آن اجتماع

یازدهم - چو اخبار بر مقرر ...

دوازدهم - زینت بآدر رباع ...

سیزدهم - هرگاه کسر قصد نموده ...

و بعد از آن در آن اجتماع ...

چون موزون برادر ...

در این اجتماع ...

تاریخ ... در آن اجتماع ...

تاریخ ۱۶ شعبان ۱۳۶۴

السلام
والرحمة
الالهية

خرمت جناب مستطاب اجل عالی آقای کرامت اله خان مشیری

دوست عزیز محترم

دستخط شریف بانضمام برات ۲۳۰ تومان دیروز دریافت شد

و صبح فوری رقم به صاحب متور فورد ولسی پیچ متوری

موجود نداشت چون هر سه تا که در اینجا بود فرخته

شد اما تلگرافاً ۵ تا دیگر طلبیده است و یکی

از آنها با وعده داده است خیال دارم که مبلغ

یکصد تومان فوری بدهم باقی پول را که از تجارتخانه

آقای حاج عبدالنسی گرفته ام به بانک بگذارم

گفتند که آن ۵ متور ^{تقریباً} بقدر از ۴۵ روز وارد خواهد شد

تخته ها و لوازمات دیگر برای جسد تهیه میکنم که

انوقت بدون تعطیل ساخته شود - انشاء الله

قبلاً بشیراز خواهم آمد - در این روزها

مستطاب
اجل عالی
آقای کرامت اله خان
مشیری
دوست عزیز محترم



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

درویش

۴۵

۱۳۲۲

سابقاً در ضمن یادداشت خود بفرموده بودید که چون در کتب قدیمه

احمال میبیند در چند دوک در این بفرستد من هم سرایت که چند عمومی گویند

قول ادب بفرستد در زمینه حکیم قهر و با خود بیشتر از این است

حتی در عثمان هم از چهار خبر مرقم که از همه بفرستد دست این روزها در

قوه بومی خود برآمد بعد از آنکه کشتن و بیلور بفرستد بعد از آنکه در چند روز

عازم این تعمیر می کند و مغرب به امان در خانه چند روزند که او از دور

خوانند کار آینه از صاحبان بفرستد عثمان تا موردی اند بر این

چند (کثیر) (بارت) (داوود) (دولت) (تقیات) (کثیر) (کثیر) (کثیر)

در بفرستد آری

وزیر دربار و آقا صاحب اختیار حسن صواب داشته که تا قفسه بولم موضعش را برسیه
 و دستور بر این مراسم سکولار و کفن و دفن داده نشد همه بهش آقا را با احترام
 حرکت از بیوفتیش در انجمن گذارده و این مراسم را در محرم ۱۳۰۴
 به احترام هم کردند و روز جمعه با احترام آنچه زیادترش جسم برسیه
 و شرافتمندترین فرزندان ایران در مقبره خانواده در کنار قبر روح پیران و کهنه
 خاک سپردند و در آن مکان و آرزو در آن هزاران مرد در موقع دفن
 ظهور داشتند و چون اوزعی سوراگرم کردند و سر خریع ایران و از دست دادن
 حسن مرد بزرگوار سکولار میگویند جسم او در خاک سپردند و مرقمات
 این مرد بزرگ با ایران بر همیشه فنا پذیر خواهد ماند و احترام و محبت در قلوب
 ایرانیان و صفات تاریخ برستانت که هرگز نماند با دشمنانش
 در خانه که خواننده گان این مقاله اجازه بنوام سوال کنم که آیا تصور نمائید که اگر مستوفی ملک
 که امروزه ایرانیان با احترام و کرامت اسم او را می برند زنده بود با او هم همین حال بود
 آنرا در دانشگاه یادگار شریفیت داشته و نام عمر خود را در یادگاری و سخن گفتار نموده اند
 و در قید حیات اند میخوانند! ۱۹۱

سحر و جادو مندم کرم و نظایر آن در این
 دست بندی که در شده رسید و از دولت احوال شریف سرور و خوشتر شدم
 و خدا که است و هر وقت کافری از جناب شایع با قضای بقدر قدرت
 قهر و غضب جناب شایع کردم که در آنجا و مکتوبات منیم و از روی غم و حسرت
 بدر گذر شادمانی بسوی مطلوبه حقایق تمام که حاضر سر و همه زندگان سلامت
 و سلام کمال و در این موافق است و افسوس که در کار و بیجا شایع
 بر روی که هیچ نوع حیات و روانی با من ندارد و در حقش کشیم از محکم
 که بر روی هم عزیز از عبادت نام و هر چه در شقی است در راه و باطل
 ترک گون گوییم تا چشم در شوق دست بند رسیده خوب
 و خوش وضع و عباده اخیره کاره یعنی هم دست بند هم کمره بود فقط
 ای سهاش قهر که در دوزخ و از جناب شایع شرم و با کتف نهاد
 برت بندر و قسیر که در دوزخ بود از کون فریاد خسته و بی دست
 جان قوت قول که کجا هر شتم و در جناب از و شوق آن ساریها
 که اجتماع دارند آنها را مردم و صلیب منون و شکر در خوان
 و فرزندان طبع سخنان را از جانب فریاد و بی نسیه دست در این
 و سلی خانم خواهد بود است که در ادوار است که از آنها و در قول
 شایع شرم و شرم
 منی و شکر

۱۴۴۹
چهارم دهه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

قاسم برکت تم
بند و بویک و اهرت از روی
در ایجا دهرت نشا طر که در ریت سی ماه
نکار نداد حاج زین که من از سر زو در دست از
در موک از ادر سیرد عالم از تقویج بود باج
این صحنه که در به نظر کند برت با این صانع
که در این صحنه با در وضع مبر حکم از با لیه
به دست در با رف خفیه منت که در سرت
طرف نظر کرده و طاب را از دریا خرد
با بر طعه نمود در وقت که با اسی من با
نه سفید و نه نخواند نشد و نه سفید
ان حق نه به سید دست کرد و نه کایسته از
در تقسیم از ادر ایا بهر نه با م عتبه بعد از
الطبع میدهم یه ام با اس با لیه در
در فصد برید طبع هم طعه در

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

خسین و اوگر

۸ در ۱۱

مبدأ غمیم زینین در غمنا ! زینین زینین

سفر سقیم سقیم ! عید زینین زینین

لہ فعلت سقیم

ای لطف غیر سقیم لہ ! در کار دهم در غمنا

خداں سرفی در صبح فوج حضرت زینین ؟

تہا غیر من رحمت جوم لہ ! ان سقیم

خداں زینین در بار منور دهم غیر سقیم

ای رفیع بہانہ ! درت لہات فوج

عاشق صحت در جودہ لہ حضرت کارمانا در

درین لہنا منظر نینہ ! در بان سقیم

بان پاره لہ - زین لطف غیر سقیم لہ !

در کار دهم در غمنا
سفر سقیم سقیم
ای لطف غیر سقیم لہ
خداں سرفی در صبح
تہا غیر من رحمت
خداں زینین در بار
ای رفیع بہانہ
عاشق صحت در جودہ
درین لہنا منظر
بان پاره لہ

لذیکر

در وقت غزوه مدینه بود میخواستیم حکایت حضرت لعل علی را در آن وقت
 مرقع نوشتیم اینک جزئی از آن است که در آن وقت با او آمدیم و چون که در
 نوشته شد گفتیم که در این وقت که در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 خوش بگذرد و مردم که در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 این جانب هم همواره در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 و بجز تربیت او در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 مرقع شده بود و بجز از آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 گاه در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 گفتیم این را در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 خود را در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 استعدادهای در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 اولاد خود را در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت
 کار بردن آن در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت در آن وقت

در این صورت اگر سعادت نیاید در آنجا که نامش در آنجا است
 هر کجا که در آنجا است بر طرف آن که در آنجا است
 در جبهه آن که در آنجا است در این موضع آنجا است
 نباید در آنجا که در آنجا است در آنجا که در آنجا است
 دارم و غیره که در آنجا است در آنجا که در آنجا است

y. Dantabadi
 36 Rue Renier Chalon
 Bruxelles

و با بسم در روز طاعت بطور رسم
 که روز جمعه پیش از آن بجز در کسب
 در باقی کله و آنچه صرف شود همان
 و حاکم مراد هم در خدمت عالی
 شایسته است آن بهر که در نتیجه حاکم
 هم بطلبیم خدمت عالی را عرض خواهم
 که در سر راه نندگان آرا در روز
 بگذرانند و مشورت کلر بقصد
 چه میفرماید انقدر حفظ انصاف
 با نفس میسر آید و آنرا هم قیام
 دعا نیست بگذرد و آنرا فرا

دوست عزیزم
با استسلام از سلامت وجود شریف و تجدید احساسات

رحمت میدهم آقای میرزا رحیم خان معاون دفتر محترم مخصوص نشانیت میرزا

لیالی تعالی مساعدت در ابراج خدمت نموده اند این است که بطور خصوصی

حق القدر در مورد شخص مزبور توجه فرمایید در بلدیة خدمت سالیان دراز

و مچرا اشار فرمایید که باین اطلاع بدیم ایام کم با نصیر

صفت

مذیبه زام
آرزو مند مع فاه قهار

بمغز با به حضرت و بیع مغز با دعو با بر همه با

در وزارت معده و طبع و بصیرت و قدرت کلمه ای را

ملاذمت شرمه اگ بر این را بر این مکار

در ک از وزارت معده با در کات صبر

با بیان مغز فله بود و مرقم ای کات

بفلف مغز مغز و مودا ای کات

نیزت نیم عصر و زه

سال دوم نما اول

مسیحی حیدر گشتانی
بار بار گلخانه در این غایت
مجلسی تبریکیم در باره مردم معین
هر ماه طبع توزیع میزند
سیار ششم کتب و سایر نثرین

دهستان

بنام کبری منظر الدین

مشاع لظفر

سند بر کشته در سینه

(مضامین اول)

شرح دل ابونه طالبین
نهدن بر بزم طبع فارسی دور
مالک محمد در ایران ایشان صفا
چین زاپون رویه اروپا در
مالک شالی از عرق و غیره بوی

<p>بر حسب کلیت نسبی در کتب است از صنایع معجزه که شدت مضامین کشنده و نشانی اگر چه ایرزمالی که بنیاد هر یک در ساری از معجزه است و در مقاله علینه و بین بنام طبع و در خود</p>	
<p>(چهار کویستی که در کار بند فوان)</p> <p>با قبال نمودن حضرت اقدس و قدرت ملک الملوک سلیمان بناه سلطان بن سلطان بن سلطان القان بن القان بن القان بن القان سلطان منظر الدین شاه قاجار خدایه کله در سلطانه اولین سال بریده علیه مشاع لظفر که بنام نامی این شاهنشاه معارف و ضرورت الت سرزین تاریخ ابداع این مسجده فزیده از خوش مخفی نام تعدس شاهنشاهی معنی (منظر الدین) سلطان گردید و ختم فیصل ایزد سال آغاز سال دوم گردید بدایم که در زیر سایه پادشاهی این معرفه معارف پرور و در حال شاه ناسی انسانی ترقی خواه این مسجده علیه که بنام ین شاهنشاه علم دوست تربیت و معجز است با ترقیات پیش از پیش موفق باین خدمت عظمی که در پرده فرج است که امروزه در مسجده علیه بجهت محبت ایرانیه از جراید اربدیه و سایر الزام است با بجهت ترقیات عمل اروپا غالب جزایه آنان کلیت برین است ما خود تعریف کردیم غزیه مشاع لظفر به از واقعات علمی و ادبی به خط نماند</p>	<p>تکمیل رسید است همت این فرسینده لازم همان نیست اگر چه علم دوست ت در اعین به بگونه اخبارات باشند در حال سهولت ممکن است نواقصات رفع شود فیوسس و مسجده است فقد انگونه فسرده را نمیدانند در شالی است مشهور بکاست صده ندارد اما اگر لطف شاهنشاه بدهای پیش ممکن است که در ترقی فت به شوق آید و کم کم مذاق درین گونه اخبارات پیدا نماید مشاع لظفر در ایران باج نخواست چنانچه شاید و باید عوام منت است و معارف و خدمت و نیز به طرز عمده و غیره از اخبارات دیگر زیاده است درین صورت که توجه و اعانه و مسهری نوا من برین تعلق گیرد ترقی این مسجده علیه علمی و ثوار است هر امری درین با شکر اک نیست شکر اگر همای اعظم و در شمشیر ان فت بخلافت حالیه خود این مسجده را با دانشد امیند بحال دار و نهان مفیده است در تمام مالک متحد برانه علیه را سر پرست و معاون اشخص دولت است نوا من جال بزرگ است شم داشت جریده مشاع لظفر بجهت اعوام نیست ایستادگی درین مشاع لظفر نوا من ملت و رجال معارف پرور دولت است</p>

صفحة

نمره اول

صاحب امتیاز

مخیم السلطنه رئیس

و مدیرکل فلاحات

ممالک محروسه است

سیوداغر مدیر و

معلم زراعت بعضی

مقالات جسریده را

میدهد

محل رجوع چهارراه

مخبرالدوله در اداره

مرکزی کل فلاحات است



اول

سال اول

وجه اشتراك ما ليايه

طهران ۱۸ قران

داخله ايران ۲۰ قران

اروپ و آمريك ۱۴

قرانك

تمام عنده نلی ۳ مجیدی

قفقاز و روسیه ۶ مانات

هند و افغانستان

۹ رویه



اجرت بست همه جا نموده اداره است () ()

() عرّه جمادی الاولی ۱۳۱۸ هجری مطابق ۲۶ اوت ۱۹۰۰ میلادی ()

این روزنامه ماهی دوبار در عرّه و بانر دهم ماه طبع و تقسیم میشود از کلیه علوم فلاحات و
فواید عامه و مقالات سودمند دیگر و اخبار رسمی راجع بامور فلاحات سخن میگوید مقالات
نافعه بحال دولت و ملت و راجع بفلاحات و فواید عامه را با حکمال امتنان می پذیرد و نشر
می نماید مراسلاتیکه با اداره میرسد در صورت انتشار و عدم آن صاحبش حق استرداد
ندارد یا کتبهای بی تمر قبول نمیشود ()

قیمت اشتراك

شش ماهه

سالیانه

(تبریز)

۶ قران

۱۰ قران

(داخله ایران)

۸ قران

۱۵ قران

(ممالك خارجه)

۱۰ قران

۱۸ قران

وجه اشتراك در تبریز بعد از اخذ چهار نمرو
و در خارج پیشکی گرفته میشود

توفیق

تک نمرو در تبریز یکصد دینار

یوم پنجشنبه ۸ شهر صفرالظفر

۱۳۳۱

توفیق آذربایجان

تبریز نزدیکی خانه مدیر خرید

کلیه امور اداره

(بامدر کل میرزا حسن خان معون السلطان)

قیمت اعلانات

(در صفحه اول - طری ده شمی)

(در صفحه آخر پنجشاهی)

(هر هفته)

یک مرتبه طبع و توزیع خواهد شد

روزنامه است علمی ، فنی ، اخلاقی ، سیاسی ، اخباری و مقالات سودمند بحال دولت و ملت بامضاء صاحب آن پذیرفته میشود و اداره در حک و اصلاح آن آزاد است

الملک نامزد نموده بطهرانش خواهند این بود نخستین بدختی ایرانیان که دچار شداید لایحسی گردیدند - با آنکه ملی راه طهران برای او چندان مدتی را اقتضا نداشت و اوضاع انروزه مملکت بی اندازد بوجود یک نفر نایب السلطنه احتیاج را دارا بود چه مدتهائی

و مخصوصاً در بعضی از جراید طهران که مذاکرات مجلس را درج مینمود بتصریح زیاد توجهات افراد ملت را بنکات دقیقه جلب نمودند و نوشتند که وکیل نایب بکلام فوق باجمال خود اقتصار ننموده بس واضحتر و اشکارتر بیان نموده که در صورت تعیین

اظهارات

مطایبه امید در این اواخر ادوات

و حرفت و لوازم خود را از هر قبیل

وجه اشتراك عقیدتا در بافت بیتم

تست انبوه	دهه	ولادت
مجلسه	۲۰ فروردین	۸۰ فروردین
نسخه	۱۰ فروردین	۱۰ فروردین

اعلانات با حروف ۱۹۰ قیمت هر

دوم صفحه اول

۳۰ هران ۲ هران

تجسس اجرت تراخ مطبوعی با دفتر: انا

کراسران

مجل اداره: طهران - خیابان لاله زار

مردان محترم و بزرگواران! عرض - امروزه ظهور ۱۳۲۶
تمام کلیت باید بهم منجر گردد باینکه
مسائل و تراخ و دره منتهی استرسد سعادت

صاحب امتیاز و مطبوع:

سیدخلیل رکن الاسلام خراسانی

ملاحظه سه نمره در ایام عبیه و دو هفته و چهار هفته لطبع و نشر بگذرد

تاریخ انتشار از اول هر پنج شروع میشود

قیمت این شماره ده شاهی است - بعد از یک هفته یک قران

بلامو کر اتها و بی همس

مقابل این مجاورت نظامی، دستهای، و تحریراتی از ما
بنام مقدسی دموکراسی قویا متناول محاسنات
و خندیت اند.

تقریب ضمیمه و تراخ حقیقی الهی اطفال
معموم بیگانه همه روزه بلااستمرار دستخوش
و ضمیمه سرک کرده می گزینند، باز دامنه
اختلاف نرسه باقیه ششدهست و خود خواهی
و حسب ریاست، و وجه طلبی مانع از دست
گیری این بیچارهگان گردیده، و استعاضی که
باید در صدمه آنها و فائده این تراخ الهی
بر آید بلا استثناء - در این صحنه اختلاف
و شقاق متداول خودنمایی و غلبه برآید بگرد.

تا کی باید فتنه و تهاجمی این مثل
رفت آور شد ؟
تا چند بایستی خود را به لا ایل گری
و تحمل ورزی طاعت داد ؟
تا چه زمان باید دولت و اختلاف را
پینه خود ساخته و به مملکت و ملت جنایت
مسکند ؟
تا چه حد سزاوار است که برقی بازی،
منه بندی، شقاق، شقاق، دسیسه، مهربانی،
تطبیع را تقییب نمود ؟
تا چه اندازه لازم است در حرالین مملکت،
و فکالی یک ملت کوشیده ؟

و اگر هم فرض حال فلاکتی از این مشاهیر
فراهم بشکورد - همین وضعیت ناگوار، و
اوضاع تلخ باقی بماند، صاف تریب میگذرد
صیج و سرخ و بلا تکلیفی خواهیم شد .
برای جبهه‌زانیات بی لایق خود بطور حتم -
چرا بیجهت هر روزه یک سلسله اختلافات
در جبهه ما عرض حق بپایید ؟ !
انتخابات دو رسیده، و این دولت‌ها و
اختلافات ضمیمه زمین بکجه اش این میشود
که : انتخابات بطور غیر معلولی به دل می
آید، و اختلافات قویه میرود که بعضی دسیسه
ها و نظریات در عمل اهمیت راه یافته، و
و این امر خطیر حیثی بر خلاف ملاحظت
ایران صورت پذیر گشته، انوقت است که
انگلت حسرت بدمندان خسروایم مسکونیت

می نماید، و از طرف دیگر در روسیه داخل
پک حاصله آذربایگان و ایس ندره و مشهورش
ایست که از اول قری بماند که مسئله صلح صورت
به پذیرد زیرا آنوقت باز آلمان در جبهه
روسیه گرفتار خواهد بود، چنانچه از اینک
طرف حکومت بولتویکها را برسمیت نشناخته
و از طرف دیسکر فزانه‌های دون و دولت
روسیا را بلیه بولتویکها بر می انگیزد، اگر
صلح دهد و فرار گردد اثرات خود را بخوبی
بخیزد و آلمان فزانت خیالی پیدا نماید - در
جبهه عراق هم وقتی که ارمنه و کلدانی ها و
سایر دستجات مسلح بولیب در روز اسلامبول
داخل عیالیت خضیه شدند مسلح حوات عراق
بمال و فرصت اینکه به این القریح و طلحات
بیشتر مفرجه گردد نخواهد داشت .
ولی با وصف این اقدامات تصور اینرود

قرار داد آن گذشته است
حاضر روسیه آلمان را قار
بین سمت مشغول کرده و
روسیا به آلمان و سایر
دولت بران و دین خسوفه
است که اگر روسیه تمام ت
جنگی خارج شده است وانگه
در روسیه تقییب نموده که بتو
دهد در موضوع عراق و
تھا وسایل اغتاش حواس
نظامی عراق نیست بلکه بیه
و اعتقاد لبروده از حمله و
فلسطین و بین القریح باز
و اینها همه برای این
موفیات خدمت مسکند - بیادیت
مستمرانی دربر لندن راه

محل اداره

بازارچه سنی - تبریز -

شماره ۶۱ - تبریز -

محل فروش : مطازة مهرزا عیداه مدیر توزیع جریاید

مدیر و صاحب امتیاز : خیابانی

(اداره از محضون اطلاعات مسئول نیست)

۴۰ زویب ۱۹۲۰

عجالتا هفتة يك بار نشر میشود

وجه اشتراك - تبریز : سالیانه - ۳۰ - همسایه - ۱۶ - براب

داخله : .. ۳۵ ..

خارج : .. ۴۵ ..

يك نمره ۶ ماهی

تمام مطالب و مکاتیب باید با خط خوانا و بکرو تحریر و مستجابا باسم اداره ارسال گردد و در هیچ صورت مسترد نمیشود

اطلاعات رجوع دفتر اداره شود

ناگنونف ملت قیام میکرد و همین که بال و بر باز میدود ، بجای اینکه خود ملت بمقتصد خود برسد ، يك عده شیادان طنهی ، سوار آن بال و بر شده ، به آرزوی خوه نالقی می آمدند . این دفعه باید بطور دیگر باشد ، این دفعه شهبال ملت باید ارتقا و اعتلای ملت باشد . این دفعه حاکمیت واقعی را ملت باید حائز گردد ، و از رئیس لوزرا گرفته تا پورچی بلدی همه در تحت نظر موشکاف ملت باید مشغول خدمت شوند :

(دست زندهای مندهی)

ما کارهای خود را ، کمال نانی از پیش ببریم تا وضعیت در نظر ما واضح تر و روشن تر جاوه گردد و حائین یکی ، بسکی زمین شوله میجکس امزاف نیکنند که خانق این جانانج میدیم ، در اولی قیام يك عده ، با کلا حرارت در اجتماعات ما حضور بهم

اجتماعات تجرد

بقیه از شماره قبل

موانی دیگر را موضوع شکایات خود فرار همیم حق دارد : آنها که ، زور بدهند هستند باید ضیف ها را بخورند ، ضغفراست نه برای محافظه و مدافعة جانت خود ، توبلی بوسائل لازمه نمایند شما يك لقمه خاردار بنشیند ، هیچ کلو نتواند شمارا فرو ببرد . (دست زندهای رهد آسا و هلهله)

آیا هیچ میدانید ، شما چه ها را ، منحل نمیداید ، چه بیطرفیما در پیش جندان شما ارتکاب کرده است ، با بنکاکان که وارد سلکت شده اند ، چه فرودمانگی ها که اشال شماها ، بخرج داده اند .

ولی جندان مقصر نودداید ، جهل و

شب جمعه ۲۱ جوزا : آلهی خابانی نطق خودشان را ، با بیانات آله شروع نمودند : - بسکی از بزرگترین تکلیف مسا ، اصلاح و تسبیق هیئت اجتماعی ما است ، این مسلم است که به هر کدام از افراد يك جمعیت ، متفرأ يك توهینی وارد نمایند ، اهدأ نعمل نیکنند ، ولی باید دید آیا هرگاه این توهین را بر هیئت اجتماعی که آن شخص از افراد واجیزه آن میباشد ، وارد سازند ، چه تا لبرائی و اظهار خواهد نمود ؟ شما همه ایرانی هستید و این مملکت مال شماست و شما مشروب به يك فرق



جای اواره

تهران : خیابان لاله زار - نمره

صاحب امتیاز و مدیر فنی

عنوان تملک رافی طوفان

یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه

طوفان

انتظار مردم

— ۱ —

در بحبوحه اوضاع منقلب دنیا و در مشکل ترین مواقع جهانی ایران یعنی در روزها تپکه احوال بدبختی ایران بیضتها درجه پستی رسیده و از یکطرف اجتماعات معاصر ما برای طی مراحل آزادی در انقلاب و خون غوطه می زنند دست حوادث خنواهی نخواستی منشور سرپرستی سرزمین عجم را بنام سردار سپه نوشته و مهم از هم گسسته امور را باو تفویض نموده است

رجال این العربیه و بوالهوس که هر چند ماه بازندگان یک ملت بازی کرده و داغ سپاه قحط الرجال را بر پیشانی این مملکت زده اند هیچیک نتوانستند علت العالی قانونی اهالی را استنباط کرده و سرچشمه مفاسد و معایب اخلاقی ایرانی را بیابند

هریک چندصباحی باسلام و صلوات بر اورنگ صدارت نکپه زدند و با قهر

خلاصی جسته و بایک وحدت نظر و صمیمیتی جاده ترقی و تکامل را برای دودمان خود بگویند

سردار سپه که امروز سر فرشت جهانی ایران بدست او سپرده شده موظف است که آرزوهای مدفون شده در اعماق قلب مردم را بمعرض عمل و در مسیر کامیابی انداخته و این رنگ پریدگان ناکام را بروز کار بهتر و خوش تری نسبت بدهد ؟

رئیس الوزرای امروز باید بدانند که از این پس هموطنان ما بنظر قشون و وزارت جنگ باونگاه نمیکند ایران علاوه بر قشون چیزهای دیگری هم لازم دارد !

یکی از مشکلاتی که رئیس الوزراها همیشه وسیله عدم پیشرفت امور جلوه میدادند هجوم پیکارها و تقاضا کنندگان مشاغل بود ولی آنها

رباعی

اوضاع نجومی جو
این جماعه پر جسته پتنتظیر
کز جانب کاپینه
از روز نخست بوی ارمیه

ببینند مردم در
نکیت و بیچارگی زندگی
آن بدبخت هائیکه از
و نا توانی ه اعطاه عرق
پیشانی خود پاک میکنند
آن رنگ پریدگان

ار فرط بی قوئی و خنجاار
آنها هم اهل این مملکت
آنها هم در این آب
حیات و زندگی دارند !
از این محوطه وزا
و عمارات اطراف میدان نو
باین مفتخورهای لوس و
های مجلس رئیس الوزرا
صبح و شام بدرگاه اول





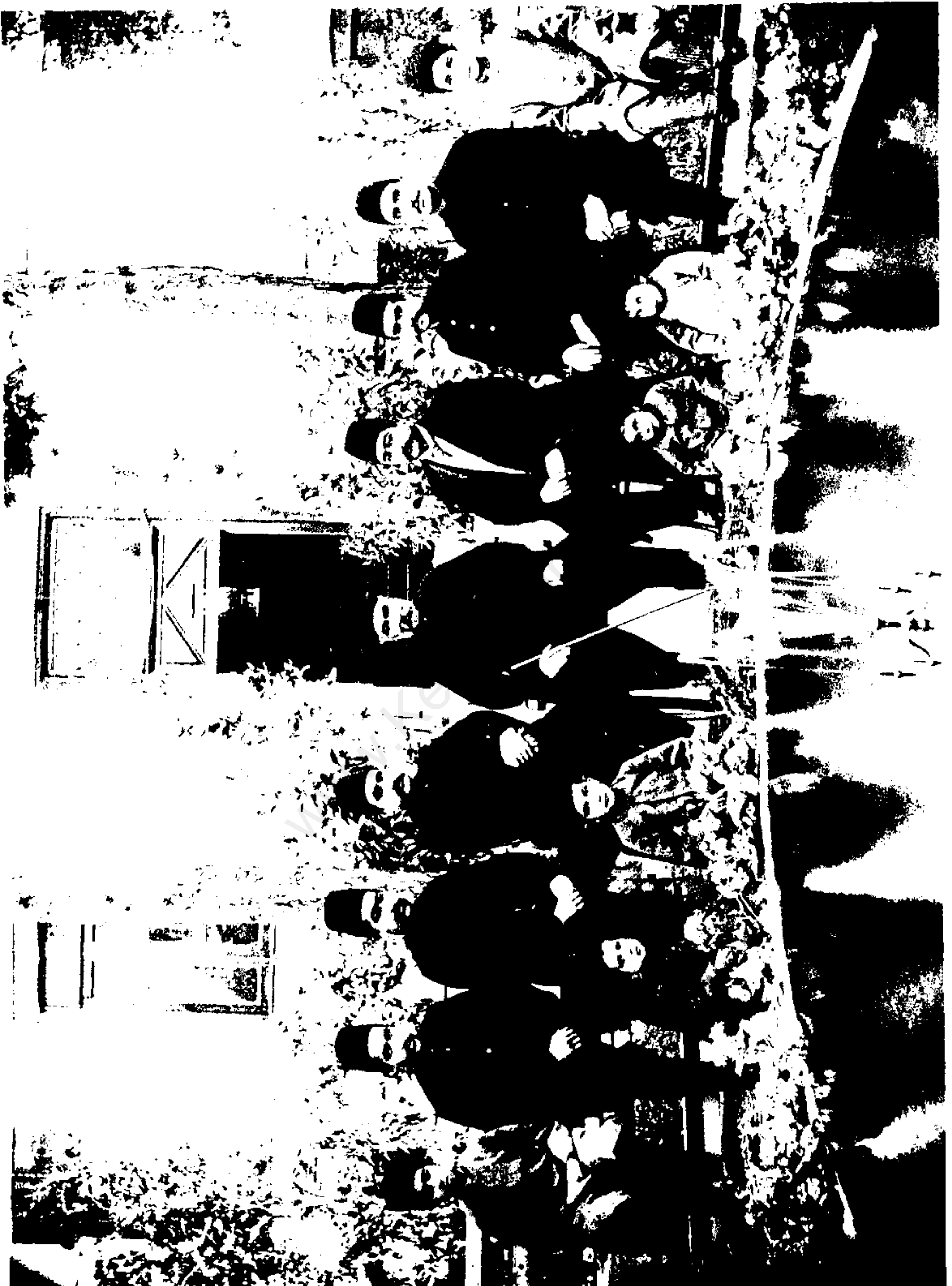


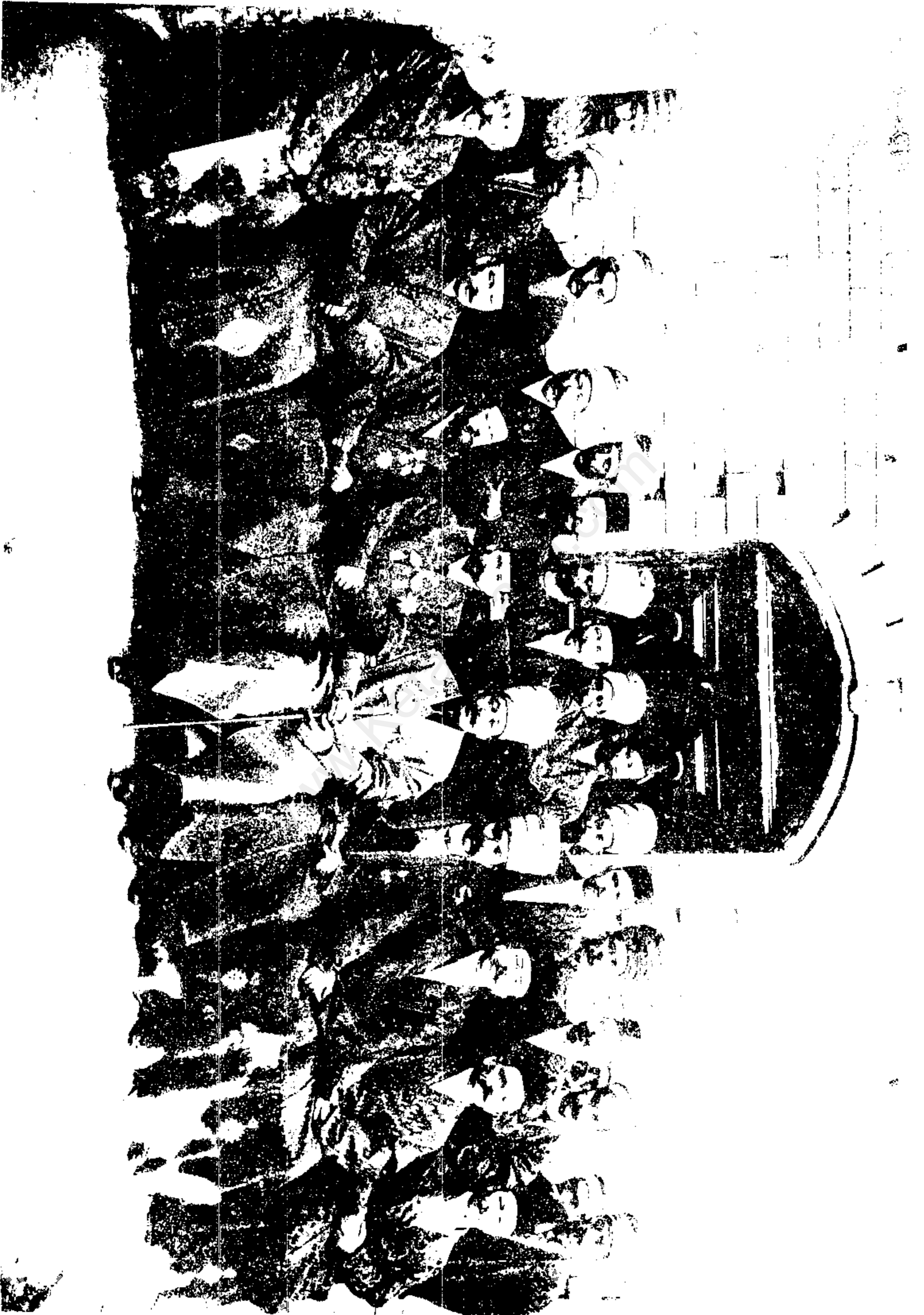


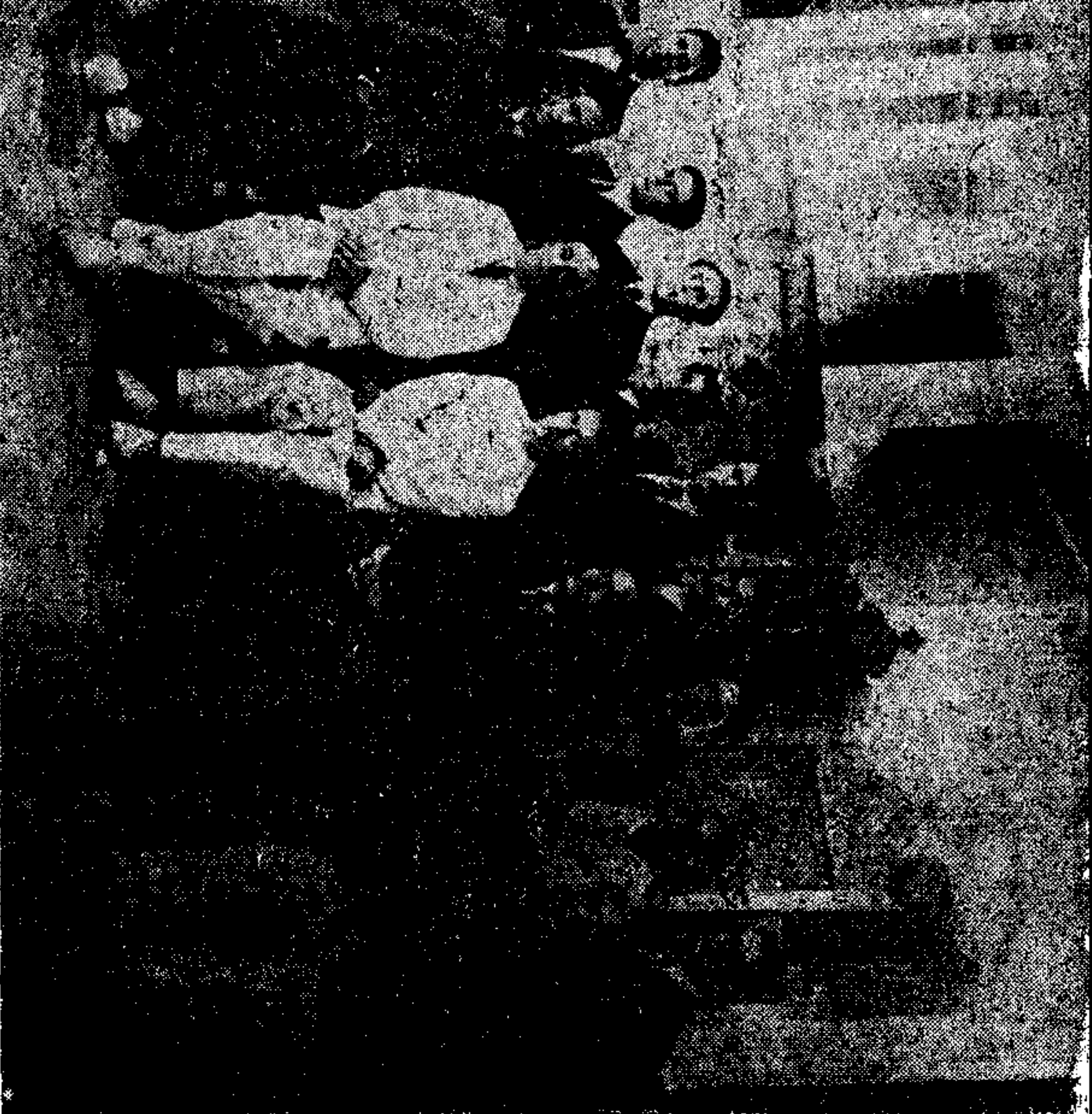




سید، طیب







نشسته از چپ به راست : امامی (منبت کار) - نعمت‌اللهی (مذهب) - وفا (طراح قالی) -
ظاهرزاده (رئیس هنرستان) - میرزاعلی درودی (مذهب) - مهدی رئوفی (طراح قالی
محمده‌علی رهبری (مذهب و طراح) . ایستاده : نخستین (میناتور است) - هیربد (نقاش
(میناتور است) - سیدجوادی (طراح قالی) - یوسفی (مذهب) - زاویه (میناتور است
علی کریمی (کمانک معلم میناتور) - آخوندی (میناتور است) - صفوی (میناتور است
هنروران هنرستان هنرهای زیبای ایران در سال ۱۳۱۵ بر داشته شده است (فرستنده

www.KetabFarsi.com